

# قاضی القضاة مختلس<sup>۱</sup>

دزد جاهل گریگی ابریق برد      دزد عارف دفتر تحقیق برد

امیر فیض- حقوقدان

اخیرا اخباری درحد تواتر منتشر شده که وزیر اقتصاد و یکی از نمایندگان تهران در مجلس اسلامی بنام آقای محمود صادقی و دو مدیر بانک وارد بر آن موضوع شده و توضیحاتی داده اند و مختصر خبر این است که صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه که در اسلام قاضی القضاة نامیده میشود متهم به اختلاس میلیارد تومانی در دادگستری است، و در توضیح خبر اضافه شده که ۶۴ حساب بانکی که مربوط به وجوه دریافتی از متهمین به عنوان مجازات های نقدی و یا سپرده و امثال آنهاست به حساب شخصی صادق لاریجانی منتقل شده و این رویه از ۲۰ سال پیش تاکنون ادامه داشته است و هر ساله ۲۵۰ میلیارد تومان به حساب مزبور واریز و از بهره متعلقه به آن پول ماهیانه ۲۰ میلیارد تومان به صادق لاریجانی پرداخت میشود است.

از آنجا که آقای طبیب نیا وزیر اقتصاد در دفاع از موضوع، مدعی شده که اقدام وزارت دادگستری جمهوری اسلامی و صادق لاریجانی بر اساس موازین قانونی و شرعی بوده و آقای محمود صادقی نماینده تهران از وزیر اقتصاد پرسش کرده که کدام موازین شرعی چنین اجازه ای رابه صاق لاریجانی داده است؟

این تحریر مایل است در موضوع وارد شود زیرا نتیجه ورود باز شدن دریچه هائی است که بهر حال فساد در حقوق اسلامی و تعارض غیر قابل قبول آنرا با حقوق مدرن برانزده میسازد.

## موازین قانونی و موازین شرعی

موازین قانونی در مورد وجوهات و در آمد های قوه قضائیه اعم از وجوه امانی و یا خسارات و جرائم در حسابی بنام وزارت دادگستری جمع آوری میشود که حق برداشت از آن حساب پس از تایید رئیس مالی دادگستری با سه امضائی که قانون تشکیل وزارت دادگستری (عدلیه = زمان داور) مقرر کرده عملی میشود، بنابراین اینکه حساب در آمد های دادگستری به حساب های متعدد رئیس دادگستری منظور شود اصلا از موازین قانونی شناخته نمیشود. (قانون دیوان محاسبات کشور)

آنچه که سنگینی این تحریر را متوجه است موازین شرعی است.

موازین شرعی در جامعه اسلامی و بویژه جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار دارد که فصل هماهنگی آن با موازین قانونی کاملا نادرست است و جهت درست آن حق و ناحق است. اساسا در جوامع اسلامی موازین

<sup>۱</sup> - مختلس [مُتَلَسَّ] (ع ص) رباینده). آندراج (از منتهی الارب) (از اقرب الموارد). رباینده و خود کشنده). ناظم الاطباء). || دزدی کننده). (ناظم الاطباء) (از فرهنگ جاسون) ||. (اصطلاح فقهی) آنکه مالی را از محل غیر حرز و بطور مخفی سرقت می کند مانند کسی که گوسفندی را در چراگاه می رباید. و رجوع به اختلاس شود. لغت نامه دهخدا

قانونی محلی از اعتبار ندارد هرچه در شریعت است حق است و هرچه نیست گرچه در قانون و تالیفات فلاسفه و شعرا باشد ناحق است.

هر چیزی که در قرآن اشاره و یاریشه ای دارد و یا در قرآن ندارد ولی در سنت دارد همان موازین اسلامی است و هر چیزی که مغایر موازین اسلامی باشد کان لم یکن و بیهوده است. جامعه راباچنین باوری که ریشه الهی دارد چگونه ممکن است با قانون و حاکمیت ملی آشنا کرد؟

در قرآن و سنت محمد هیچگاه اشاره به تشکیل حساب بانکی مشترک برای درآمد های ناشیه از قضا نشده است و سیره قضا در سنت محمد نشان میدهد که عوائد حاصله از قضاوت و دادرسی ها نزد قاضی القضاة جمع آوری میشده است؛ و قاضی علاوه بر مخارج قضا، هزینه زندگی خود را نیز از آن وجوه برمیداشته است. (محقق - شیخ جواهر = قضا در اسلام)

بنابراین کاری که صادق لاریجانی کرده است، اگر چه از باب حقوق عرفی اختلاس محسوب است ولی از موازین شرعی همان سنت قضا در اسلام زمان محمد است.

ایراد به اینکه چطور ممکن است رئیس قوه قضائیه ماهیانه ۲۰ میلیارد تومان بعنوان حقوق برداشت کند و آنها هم از بهره پول که در اسلام حرام اندر حرام است؛ وارد نیست، زیرا در سنت محمد هم حدی برای انصاف قاضی القضاة قائل نشده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، تمام مصوبات قانونی و بخشنامه هائی را که خلاف قرآن و سنت محمد باشد بی اعتبار میداند و لهذا مقرراتی که قانون دیوان محاسبات و تشکیلات عدلیه مقرر کرده مربوط به همان دوران مشروطیت و ایام سلطنت شاهان پهلوی بوده است نه دوران کنونی که جمهوری اسلامی غاصب حقوق ملی و قوانین مدون و عرفی ایرانیان است.

درجانی خواندم که قضاة عالی دادگستری انگلستان هم حقوق ماهیانه دریافت نمیکند بلکه متناسب نیازی که برای هزینه زندگی خود دارند اعلام مبلغ میکنند و برایشان ارسال میگردد. سیره مالی قضاة عالی مقام انگلستان بر پایه فرهنگ شرافت و پاکی قضاة آنکشور قرار گرفته است که مشکلات مالی سبب تضعیف قدرت آنها در حراست از عدالت و انصاف نگردد و در عهدی این جریان در انگلستان جاری است که سیستم بانکی و قانونی محاسبات دقیقی ناظر بر همه شئون مالی آن کشور است.

انگیزه این تحریر نشان دادن این حقیقت است که فسادی را که در عمل رئیس قوه قضائیه ملاحظه میکنید که علاوه بر تمرکز تمام وجوه متعلق به قوه قضائیه به حسابهای شخصی خود ماهیانه هم نزدیک به ۵ میلیون دلار از آن برداشت میکند، فسادی است ناشی از ذات اسلام که وقتی آشکار میشود که جامعه اسلامی وزیر چتر قوانین اسلامی و قدرت اجرائی آن قرار گرفته باشد.

کمی فکر منصفانه کنیم؛ در حکومت اسلامی ایران که رئیس قوه قضائیه یک آیت الله مرجع تقلید است و در مفهوم شرعی نماینده امام شناخته میشود، آیا باید بر طبق قوانین شرع و سنت محمد عمل کند و یا بقانون زمان رضاشاه کبیر؟ و اگر به قانون شرع عمل کرد مختلس شناخته میشود؟

مگرسید علی خامنه ای که بنا بر تحقیق رویترز ۹۵ میلیارد ثروت دارد از کجابدست آورده و مگر کسی گفته است که این ثروت از کجاست؟ قانون رسیدگی به دارائی مامورین دولتی در قانون اساسی جمهوری

## اسلامی مربوط به مردم عادی است نه اولیاء جمهوری اسلامی، مانند خامنه ای و صادق روحانی و دیگران.

جرایم و تعقیب گناهکاران در اسلامی محدود به مرز عوام و مسلمانان است نه هیئت حاکمه و مومنین در خدمت اسلام وقتی جرمی اتفاق می افتد همینکه پای اشراف اسلامی و حکومتی به میان بیاید بقول معروف <نوبت به اولیا که رسد آسمان طپید> میشود یعنی تعقیب ملایان حاکم و حتی طرف اتهام قرار دادن آنها سبب قهر خدا و طپیدن آسمان میگردد.

نمونه حاضر سعید مرتضوی رئیس سازمان تامین اجتماعی است که با داشتن حدود ۱۰۰ پرونده رشوه اختلاس اعمال نفوذ، جنایات در کهریزک و برداشتهای غیرقانونی همکاری با بابک زنجانی و غیره به ۷۰ و ۶۵ شلاق محکوم شد ولی ممنوع الخروج نشد و بنابراین اعلام آقای ایوبی یزدی وکیل مرتضوی، سعید مرتضوی ممنوع الخروج نیست و عازم زیارت کربلاست و اضافه کرده که در جریان اتهام هم به خارج از کشور برای زیارت رفته است و تصویری از آنرا هم ارائه داده است.

مقصود این است که اگر در موردی حکومت اسلامی ناچار شود برای حفظ ظاهر متهمی را مجازات کند اینچوری مجازات میکند که سعید مرتضوی را حکم داده که میدانید شلاق هم تا شلاق دارد و شلاق زن هم با شلاق زن فرق دارد و از همه مهمتر اجرای حکم شلاق مانند اجرای حکم اعدام و یاسنگسار نیست که با حضور مردم و مشارکت مردم انجام شود.

وقتی جامعه ای مسلمان آنهم در ردیف تشیع و حاکم آنهم اسلامی است و اختیارات او هم همان است که امام در تشیع دارد آیا باید قوانین شرع حاکم و اجرا باشد یا قوانین دمکراتیکی که اصلاً در جامعه تشیع حق شناخته نمیشود؟

از آنجا که در جامعه حقوقی مذهبی جمهوری اسلامی تمام دارائی هایی مملکت و افراد متعلق به مقام رهبری است اگر کسانی از بیت رهبری و یا خارج از بیت از بخشی از آن اموال اختلاس و یا دزدی کنند و یا مانند قاری قرآن (سعید طوسی) به کودکان تجاوز کند مدعی این قضایا کیست به جز مقام ولایت فقیه؛ و اگر ولایت فقیه که قیم مردم مسلمان و متشیع ایران است میل به تعقیب قاری قرآن، سعید طوسی، و یا صادق لاریجانی نداشت، مردم چکاره اند که فتح باب کنند که قاضی القضاة مختلس است و یا قاری قرآن لواط گر و یا در کلیات دیگر به مردم ایران چه که بگویند صدها میلیارد دلار ثروت مملکت خرج فعالیت های هسته ای شده و آخرش هم به تحمیل برجام با ۲۵ سال سلطه آمریکا منجر گردیده زیرا مردم در جامعه تشیع حقی جز اطاعت و تجلیل مدام از قیم خود ندارند.

## دستآورد

❖ هیچیک از معیارهای حقوقی جهانی که خارج از حقوق اسلامی باشد در جوامع اسلامی کارساز نبوده و نمیتواند اجرا شود و تمام کوششهای سازمان های بین المللی کوبیدن آب در هاون است.

❖ ملت های تحت سلطه اسلام بغلت سلب حق حاکمیت از آنان عضو جامعه سیاسی و حقوقی محسوب نمیشوند و پیروان اسلام شناخته میگردند و به اعتبار همین رابطه نمیتوانند زیر چتر حقوق ناشی از سیستم دمکراتیکی و وضع قانون قرار گیرند.

**حاشیه**

❏ اخیراً یکی از آقایان در نامه ای نوشته است که در مقابل ملت ایران زانو میزند و دست ملت رامی بوسد.

ایشان قافله را گم کرده و خیال میکند که قافله ای بنام ملت ایران قرار دارد در حالیکه ملت ایران از نظر هویتی و تاریخی ملت ایران شناخته میشوند ولی از نظر حقوق سیاسی و باورهای مسلط بر افکارشان ملت ایران شناخته نمیشوند ملتی که حق حاکمیت ندارد ملت حقوقی نیست و همانطور که امام هفتم شیعیان گفته کف هستند نمیدانم زانو زدن در مقابل کف و یا بوسیدن دست کف چه مفهومی دارد که نویسنده نامه آقای مهندس روحانی با افتخار آنرا عنوان کرده است ملتی که سروصورت خود و فرزند خردسالش را به خاطر اعراب مهاجم به ایران خونین میکند و خود را صغیر و محجور میداند کجایش با فنومن ملت مشابهت دارد که کسانی برای خود نشان دادن حاضر به زانو زدن در مقابل آن میشوند. (پایان حاشیه)

❏ ایرانیانی که به جمهوری اسلامی رای داده اند و یا موقعیت حقوقی خودشان را در کادر حقوق اسلام و تکالیف و احکام آن میدانند؛ نمیتوانند به اعمال حکومت جمهوری اسلامی معترض باشند. اعتراض آنان قبل از آنکه متوجه حکام جمهوری اسلامی باشد متوجه خود آنهاست و خود کرده را تدبیر نیست < رهگشای آنان است.

❏ آزادی در جوامع اسلامی معنای خاص خودش را که حقوقدانان اسلامی بر آن متواضع اند و آن در مجموع تسلیم بلا شرط به احکام و اطاعت از حکام است و این چنین آزادی که در مفهوم تسلیم بلا شرط به مقررات الهی است بکلی با اصل حاکمیت و آزادی واقعی مغایرت و ضدیت دارد.

❏ ایرانیان با تبعیت از اسلام و بویژه تشیع نه میتوانند و نه ممکن است که به مدارج آزادی و دموکراسی دست یابند؛ و آنها که فکر میکنند با جدائی دین از سیاست و حکومت میتوانند مسیر حرکت دموکراسی را هموار سازند سخت در اشتباهند - در کنار لجنزار متعفن و مرکز تولیدات حشرات، نمیتوان زندگی آرام و سالم داشت باید بفکر برچیدن لجن زار و یا ایجاد مانعی برای تداخل حشرات و فضولات لجنزار به سلامت زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه بود.